

زبان و ادب فارسی
(نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)
سال ۶۹، بهار و تابستان ۹۵، شماره مسلسل ۲۳۳

آن روی سکه جنگ در شاهنامه

(بررسی مولفه‌های جنگ نرم در شاه‌جنگ روانی رستم)

دکتر محمد مهدی پور*

استاد دانشگاه تبریز

دکتر احمد فرشافیان

استادیار دانشگاه تبریز

دکتر محمدرضا عابدی

استادیار دانشگاه تبریز

حسین حسن‌زاده

دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تبریز

چکیده:

شاهنامه به عنوان نماد همبستگی ایرانیان، کتابی زمینی- انسانی است که هیچ مؤلفه‌ای از نیازهای زیستی بشر در آن به غفلت سپرده نشده است. این حماسه بزرگ‌ترین بازنمود فرهنگی ایرانیان در دنباله شیوع چند صد ساله مبارزه فکری با برتراندیشی و سیاست متعصبانه نژادی تازیان است که توانست با منظوم ساختن روایات کهن ملی، مهم‌ترین سرمایه فرهنگ ملی ایران را به بشریت تقدیم کند. ساختار این حماسه به گونه‌ای پرداخته شده که اولاً نمی‌توان جامعیت آن را از حیث برخورداری از شرایط و عناصر یک آرمانشهر مطلوب نادیده گرفت و ثانیاً انفکاک و جداسازی روح حکمت اسلامی از آن غیر ممکن می‌نماید. اهمیت بزرگ حماسه ایرانیان در چگونگی یاد کرد جنگ‌هاست؛ مؤلفه‌های فراوان جنگ سخت (Hard war) و جنگ نرم (Soft war) و شیوه‌های متعدد مقابله با عملیات روانی دشمن در این اثر سترگ به وفور دیده می‌شود. این پژوهش یکی از نامدارترین جنگ‌های روانی شاهنامه، یعنی جنگ روانی رستم با اشکبوس کشانی را برپایه شگردهای جنگ نرم منطبق با تعاریف اندیشمندان معاصر ایرانی و خارجی مورد نقد و تحلیل قرار داده و بسامد بهره‌گیری صاحبان تمدن کهن ایران قبل از اسلام را از شیوه‌های نرم دفاعی و تهاجمی باز نموده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، حماسه، جنگ نرم، عملیات روانی

تأیید نهایی: ۹۵/۴/۶

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۱۶

* mohammad.mahdipour@chmail.ir

۱- مقدمه

حماسه مولود اسطوره، تاریخ پیش از تاریخ و «شعرملل» است. ملتی حماسه دارد که از پیشینه تاریخی برخوردار است و در دوره‌های متمادی که عنصر زمان و مکان در آن‌ها رنگ باخته، حماسه ملی در دل اساطیر آن قوم شکل گرفته است (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۹۲). حماسه شعر غیرشخصی، دراماتیک و مردم‌مرکز است که در پی نقل داستان است و اگرچه سندیت روایات موروثی را که با گذشت زمان تقدس یافته‌اند، به عنوان بن‌مایه‌های نقل خود گواه می‌گیرد ولی ادعای حقیقت نیز دارد. اندیشمندان معتقدند وقتی به نخستین ادوار حیات ملل نظر کنیم، می‌بینیم هیچ ملتی به وجود نیامده و به تحصیل استقلال و تحکیم مبانی ملیت توفیق نیافته مگر آن‌که اعصار و دوره‌های خطر را گذرانده و به اعمال قهرمانانه‌ای دست زده که در ذهن و ضمیر آن‌ها اثری بزرگ بر جای گذاشته است (صفا، ۱۳۶۹: ۱۳). تاریخ اساطیری ایرانیان به صورت منظوم عمدتاً در شاهنامه حکیم توس مندرج است که اصل حماسه ملی ما ایرانیان به حساب می‌آید و شامل تاریخ گذشته ایران از ابتدای پیدایش اولین بشر تا شکست امپراتوری ساسانی به وسیله سپاه اسلام است. این اثر زاینده قریحه شاعری بزرگ است که به تمام معنی کلمه حکیم بوده است.

فردوسی با بهره مندی از حکمت ایرانی - اسلامی توانسته در عصری که تفکرات استقلال‌طلبی ایرانیان و خیزش ملی آنان در برابر سلطه بیگانگان به اوج خود رسیده بود، تاریخ اساطیری این مرز و بوم را - که به اعتقاد ایرانیان بسی ارزنده‌تر از تاریخ واقعی است - به بهترین وجه ممکن به گونه‌ای بیافریند که تا عالم به پاست از باد و باران گزندی نبیند. این همان تاریخی است که ملت ایران همواره به آن بالیده است و به واسطه آن تمدن خود را بالاتر از تمدن ملل دیگر دانسته است. ایرانیان گو این که دو تاریخ دارند: یکی تاریخ واقعی که در متون تاریخی مضبوط است و دیگری تاریخ داستانی و اساطیری که در شاهنامه فردوسی مندرج است و حماسه ملی ما محسوب می‌شود (مینوی، ۱۳۵۴: ۳).

حکیم فردوسی احیاگر بخش داستانی و اساطیری تاریخ ملی ماست. کتاب او از سه لحاظ برای ما مهم است: اول این که یکی از آثار هنری ادبی بسیار بزرگ دنیا است که زاده طبع و قریحه یکی از شعرای بزرگ قوم ایرانی است؛ دوم این که تاریخ داستانی و حکایات نیاکان ملت ما را شامل می‌شود و در حکم نسب‌نامه و سند هویت ملی ماست؛ سوم این که زبان آن فارسی است و زبان فارسی مهم - ترین زنجیر و علقه ارتباط اقوام این سرزمین است (همان: ۱۴).

حماسه از مصدر حَمَس به معنی «شدت و حدت درکار» است و حماسه یعنی «دلیری و دلاوری». در زبان فارسی شامل همه انواع داستان‌های رزمی و پهلوانی می‌شود و «عملاً معادل Epos غربی به معنی داستان و منظومه رزمی است که خود یکی از انواع بزرگ ادبیات روایی (Epic) است» (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱).

شاهنامه فردوسی مملو از حکمت ایرانی - اسلامی است که توانسته افتخارات قومی را در برابر

جهل و جمود فکری و تعصب و قشریت حاکمان غیر ایرانی برای همیشه زنده کند و به رغم برخی نسبت‌های ناروا، «او انسانی بوده برخوردار از معارف ناب دینی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ / ۵ / ۲۴). اگر کسی شاهنامه را بخواند خواهد دید یک جریان، گاهی باریک و پنهان و گاهی وسیع، از روح توحید و توکل به خدا در سرتاسر آن جاری است (همان، ۱۳۸۱ / ۱۱ / ۷).

موضوع اصلی این پژوهش نقد و تحلیل داستانی از شاهنامه در حوزه عملیات روانی و جنگ غیرسخت براساس مؤلفه‌های جنگ نرم است. یکی از مضامینی که در فرآیند داستانی شاهنامه بارها و بارها از آن بهره گرفته شده انواع جنگ اعم از جنگ سخت یا سخت افزاری و جنگ نرم یا نرم افزاری است. دفاع و پدافند از مواضع خودی و مرزها و حدود و ثغور ملی اعم از دفاع سخت یا دفاع نرم از نظر فردوسی دو بخش تفکیک‌ناپذیر هر جنگ است. در آغاز کار برای روشن شدن مطلب به اختصار تعریفی از انواع جنگ و تفاوت و اهداف آن‌ها آورده می‌شود. سپس پیشینه جنگ نرم و عملیات روانی و دفاع نرم در مقابل آن بررسی شده و نمونه‌هایی از مصادیق آن در داستان مشهور جنگ رستم با اشکبوس کشانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- تعریف جنگ

جنگ در لغت به معنی «جدال و قتال، ستیز و نبرد، حرب و هیجا، گفت و گوی با فریاد و خصومت» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ۷۸۷۸)؛ جنگ یک پدیده اجتماعی است و اگر چه آفریننده تاریخ است ولی هم تمدن ساز است و هم هادم تمدن. یعنی جنگ حدود و ثغوری دارد که مراحل مهم حوادث و تاریخ را از هم جدا می‌کند. بنابراین جنگ چه در اشکال ابتدایی و چه در اشکال مدرن آن، نوعی مبارزه مسلحانه و خونین و مرگبار بین افراد و یا گروه‌های سازمان یافته است که البته تعریف علمی آن مانند سایر پدیده‌های اجتماعی از مشکل‌ترین امور است و به همین دلیل است که جنگ در دیدگاه‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد. از نظر جامعه‌شناسی، جنگ بین کلیه اقوام ابتدایی و در همه نقاط وجود داشته است و به مثابه ابزاری برای حفظ استقلال و اقتدار اجتماعات در مقابل رقبا و دشمنان به منظور برتری و سلطه بر دیگران و اظهار قدرت سیاسی کاربرد داشته است. به هر حال جنگ شکلی از خشونت است که خصلت اساسی گروه‌های درگیر و اشکال به کار رفته در آن، نظم و سازمان یافتگی است. ویژگی دیگر آن، محدودیت زمانی و مکانی و مقید به قواعد ویژه بودن آن است.

از نظر برخی اندیشمندان غربی، به لحاظ روانشناسی، وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر است. ساموئل هانتینگتون می‌گوید: آلبرت انیشتین در نوشته‌ای به زیگموند فروید در سال ۱۹۳۳، استدلال کرد که هر تلاشی برای محو جنگ، به شکستی اسفناک منجر شده است و فروید با این مسئله موافق بود که انسان‌ها مشکلات را با استفاده از زور حل می‌کنند (هانتینگتون، ۱۳۸۴: ۴۶).

گذشته از این که جنگ در گذر تاریخی خود، انواع مختلفی نظیر جنگ سیاسی، نظامی،

اقتصادی، فرهنگی و غیره داشته و دارد، در یک نگاه کلان نیز دوگونه اساسی دارد: یکی جنگ سخت و دیگری جنگ نرم. به تبع آن دفاع نیز دوگونه است، دفاع سخت و دفاع نرم. عمده تعاریفی که گذشت ناظر بر جنگ سخت بود. نظریات دانشمندان در حوزه علم سیاست تا نیم قرن اخیر، پیرامون جنگ سخت می‌چرخد. خصایص و ویژگی‌هایی را هم که برای جنگ بر شمرده‌اند نظیر خشونت، خونین بودن و... همه با جنگ سخت در ارتباط‌اند. حتی برخی در بررسی سیر تاریخی جنگ‌ها معتقدند تا سال ۱۹۴۵ میلادی غالب جنگ‌ها از نوع سخت و نظامی بوده و در نتیجه تحركات و تعرضات فیزیکی، غالب و مغلوب منازعات مشخص می‌شده است. ولی پس از آن که در ۶۰-۵۰ سال اخیر، جنگ در بوته تعریف جدید قرار گرفت، مشخص گردید، گونه دیگری که از آن به جنگ نرم یا عملیات روانی تعبیر می‌شود، قدمتی بسیار طولانی و ریشه در زوایای پنهان تاریخ بشری دارد (نائینی، ۱۳۹۱: ۲۵۷).

۳- جنگ نرم و مفاهیم مشابه آن

جنگ نرم و مفاهیم مشابه و متناظر با آن همانند عملیات روانی، قدرت نرم، جنگ سفید، جنگ کلمه و ریشه‌ای دیرینه دارند. نوع نگاه و نگرستن و ارتباط چهره به چهره خالی از کلام انسان‌های اولیه، ساده‌ترین و در عین حال از قدیمی‌ترین روش‌های جنگ نرم است و علی‌رغم نو بودن این واژه، عملیات روانی علمی هم‌زاد بشر است. داستان فریب آدم توسط شیطان در اساطیر مذهبی را می‌توان اولین مصداق عملیات روانی به حساب آورد (جنیدی، ۱۳۹۱: ۲۰). در مصر قدیم نیز کاهنان مجسمه‌هایی از فرعون می‌ساختند که چهره او را قوی، ترسناک و با اراده نشان می‌داد به طوری که مردم از دیدن آن وحشت می‌کردند. اگر چه تعریف جدید و اصطلاح نوظهور جنگ نرم مربوط به نیم قرن اخیر است، اما غیر قابل انکار است که واقعیت وجودی این نوع جنگ و ستیز، بسیار طولانی و هم‌پای عمر بشری است (کامکار، ۱۳۹۲: ۳۷)؛ یکی از مصادیق جنگ، گفت و گویای خصومت‌آمیز است و بر این اساس نمی‌توان جامعه‌ای را در بستر تاریخ یافت که خالی از این گونه گفت و گوها باشد. بلکه تعارض بین جوامع و حکومت‌ها و اشخاص واقعی و داستانی همواره در اشکال مختلفی وجود داشته است و دائماً یک طرف درصدد یافتن راهی برای تحمیل هنجارها و باورهای خود بر طرف دیگر بوده است. جوزف نای اندیشمند آمریکایی می‌گوید: «زمانی که شما کاری می‌کنید که دیگران هنجارها و باورهای شما را با کمترین هزینه بپذیرند، در واقع قدرت نرم خود را تقویت کرده‌اید» (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

محقق دیگری می‌گوید: «جنگ نرم استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌های خاص می‌باشد» (شیرودی، ۱۳۸۹: ۴۶). جنگ روانی شگفت‌انگیزترین پدیده اجتماعی در کنار استفاده از توان جنگی است که مهم‌ترین منبع برای طراحی و راه اندازی آن، اخبار و اطلاعات و داده‌های فکری است. این عملیات ژائیده

دوره بلوغ و نبوغ بشر نیست بلکه از همان زمان‌های دور در ذهن او جریان داشته و عملاً مورد استفاده قرار می‌گرفته است (متفکر، ۱۳۸۶: ۱۳). بنابراین درست است که در مخاصمات گذشته به طور مستقیم ذکری از اصطلاحات نوظهور عملیات روانی، جنگ نرم، جنگ کلمات و غیره به میان نیامده اما در عمل کاربرد فراوانی داشته است. چه بسا «غیر از چکاچک شمشیر و شیوه آویزش دو قهرمان، تدبیرهای آگاهانه‌ای [نیز در کار بود] که این دو پیش [می‌گرفتند] تا قبل از ورود به جنگ سخت بر یکدیگر فائق آیند» (پشتدار و شکر دست، ۱۳۹۲: ۲۴).

یکی دیگر از مفاهیم مشابه با جنگ نرم، عملیات روانی است. جنگ نرم اعم از عملیات روانی است. این اصطلاح در تعریف یکی از محققان، مترادف جنگ کلمه و نبرد کلامی قرار گرفته است. عملیات روانی همان جنگ کلمه و عقیده است؛ خواه به صورت مخفی، آشکار، شفاهی و خواه کتبی. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و می‌تواند به اعماق فکری انسان نفوذ کند (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۷). بنابراین حدود و دامنه کاربرد و میزان خسارت وارده توسط این سلاح نیز همواره مخفی می‌ماند. مفهوم مشابه دیگر، قدرت نرم است یعنی توانایی شکل دادن یا تغییر دادن ترجیحات و اولویت‌های دیگران تا بر اساس آن چه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند (گروه مؤلفان، ۱۳۸۷: ۵۴).

۴- جنگ و دفاع نرم در شاهنامه

این پدیده در یک نگاه اجمالی دو روش دارد: یکی استراتژیک و راهبردی و دیگری تاکتیکی و عملیاتی. حسب بررسی نگارنده، هر دو نوع آن در شاهنامه مصادیق فراوانی دارد. نوع راهبردی آن محدود و مربوط به زمان و مکان خاصی نیست و توده‌ای عظیم از مردم و جامعه را در بر می‌گیرد و هدف آن تغییر منش‌ها و عقاید و رفتار مردم است. نمونه مهم آن در شاهنامه در بخش تاریخی و پایانی آن می‌تواند ابیات هجوتامه فردوسی علیه دستگاه خشک و متعصب و قشری مذهب محمودی و جمود فکری حاکمان آن‌ها باشد که با دلایل واهی و به اسم دین در حق ایرانیان آزاده بی‌باکی‌ها و بی‌رسمی‌ها از خود نشان دادند. هر کدام از این ابیات پرمعنا و سیاسی که البته از تفکرات شعوبیه نیز برکنار نبوده در حکم تهاجم فکری فردوسی و همه مبارزانی است که با تمسک به آیه *يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ* (حجرات/۱۳)، خواهان آزادی و استقلال تمدن ایرانی، که مظاهر آن به دست حاکمان مهاجم و بیابان گردان غیر ایرانی در معرض نابودی قرار گرفته بود، شدند. مفاد این نامه توانست نابکاری و ظلم و ستیز ناشی از انجماد فکری حاکمان خشک و متعصب ایران آن روز را برای همیشه در حافظه تاریخ ثبت کند و این چیزی است که فقط از عهده یک جنگ نرم فرهنگی برمی‌آید نه از لوله تفنگ و لبه تیز شمشیر و گوشه کمان کمانداران. سلطان محمود کرامی قشری مذهب که پیش از سلطنت، پرستارزاده‌ای بیش نبود و کشتار سلسله‌های اصیل سامانی و شیعیان

آل بویه و ری را برای خود مایه مباحات و لشگرکشی به هند را غزو اسلامی می‌دانست، مقهور این ابیات افشاگرانه فردوسی توسی قرار گرفت (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۱۳۴).

پرستار زاده نیاید بکار	وگر چند باشد پدر شهریار
چو اندر تبارش بزرگی نبود	ندانست نام بزرگان شنود
شود بنده بی هنر شهریار	نژاد و بزرگی نیاید بکار
به گیتی نماند کسی را وفا	روان و زبان‌ها شود پر جفا
بریزند خون از پی خواسته	شود روزگار مهان کاسته

(فردوسی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۰۸۵-۱۰۸۲)

این را هم باید اضافه کرد که توجه فردوسی به اندیشه شعوبی، حدود و ثغوری دارد. «فردوسی از کسانی است که سیادت عجم و دیانت عرب را با هم می‌خواست یعنی نژاد ایرانی را بر عرب برتری می‌داد اما پیرو دین عرب بود» (همایی، ۱۳۶۳: ۱۲۳-۱۲۴).

نوع دوم جنگ یا دفاع نرم، سطح تاکتیکی یا عملیاتی آن است که بستره محدودی دارد. عمده عملیات روانی در شاهنامه از نوع تاکتیکی آن است که پهلوانان و اشخاص داستان‌ها پیش از آغاز جنگ سخت یا در ضمن آن به کار می‌برند. در فرآیند این جنگ تلاش می‌شود جنگ‌جویان دشمن دچار یأس و ناامیدی شوند و نتیجه‌ای جز تسلیم شدن در برابر مهاجمان و تن‌دادن به خواسته‌های آنان نداشته باشد. مصادیق این نوع جنگ در شاهنامه، در داستان‌های رستم و اسفندیار، رستم و اشکیبوس و جنگ دوازده رخ در بسامد بالایی یافت می‌شود که با هدف تضعیف روحیه مبارزان از سوی هر کدام از هم‌نبردان به اجرا در می‌آید. هدف جنگ روانی تاکتیکی، از بین بردن مقاومت فیزیکی دشمن از طریق تبلیغات روانی و برداشتن موانع جنگی ایجاد شده توسط دشمن است (منیرحجاب، ۱۳۸۷: ۷۱).

جنگ روانی یکی از موضوعات مهم علم روان‌شناسی است و روان‌شناسان اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل‌اند زیرا باعث تغییر رفتار اشخاص می‌گردد و مظهر شخصیت انسان‌هاست. این جنگ آسیب‌محور است؛ آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و ... میدان مانور جنگ روانی است و مهاجمان در این حوزه با شناسایی نقاط آسیب‌پذیر حریف، فعالیت‌های خود را سامان داده و با خلق آسیب‌های جدید بر دامنه و تحرکات خود می‌افزایند (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۸).

با شناسایی محور آسیب‌های حریف به سهولت می‌توان کنترل رفتار جامعه هدف را در اختیار گرفت. این پدیده اجتماعی بر مبنای مجموعه‌ای از اصول و قوانین اساسی انجام می‌شود. محمد منیرحجاب اندیشمند مصری، اصول کلی جنگ روانی را این‌گونه ترسیم می‌کند: ۱. عرضه افکار و حقایق جدید در مقابل مخاطبان مورد نظر ۲. اعتماد به تکرار همراه با تنوع ۳. تقدیم پاداش و جایزه ۴. تبلیغات هدف‌مند مبتنی بر تشنگی آراء در مورد قضایای مربوط به دشمن و ایجاد شک و تردید در صحت و سقم آن در دل مخاطبان ۵. سخن گفتن با عواطف و وجدان مخاطب بیش از

سخن گفتن با عقل و منطق او ۶. برانگیختن ترس و وحشت در جامعه هدف و بزرگ کردن این ترس و وحشت در روح دشمنان ۷. پرهیز از ابراز دشمنی در هنگام اجرای تبلیغات روانی ۸. ایجاد تحریک و اغتشاش در حوزه مخاطب ۹. زمان بندی دقیق ۱۰. مداومت ۱۱. قابلیت انعطاف ۱۲. وفور افسران فنی مجرب و شایسته (منیرحجاب، ۱۳۸۷: ۸۷).

۴-۱- شاخص‌های عملیات روانی و انعکاس آن‌ها در شاهنامه

عملیات روانی اعم از تهاجمی یا دفاعی، دارای ده‌ها مورد شیوه و شگرد عملیاتی است که توسط اندیشمندان در دو سطح راهبردی و تاکتیکی دسته بندی گردیده است. طی تحقیقات به عمل آمده، فردوسی در شاهنامه غالب این شاخص‌ها را (بدون نام بردن از جنگ نرم) به شرح ذیل به کار گرفته است:

۴-۱-۱- در سطح راهبردی

دشمن‌سازی، القاء، تکرار پیام، برچسب زدن، برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی، القای برتری خود، کلی بافی فریبنده، نمایش سیاسی و قدرت‌نمایی، الگو دهی و ...

۴-۱-۲- در سطح تاکتیکی

تحریک، تشجیع، توهین و استهزا، تطمیع، القای یأس و ناامیدی، بحران‌سازی تصنعی، نمک‌گیر کردن، جوسازی، مناظره هدف‌دار، تحقیر، مظلوم‌نمایی، بازی با کلمات، بزرگ جلوه دادن پیامدهای سوء، شست‌وشوی مغزی، فرافکنی، کوچک‌نمایی، القای انزوای حریف و ... مرکز اصلی هر حماسه رویداد است و مهم‌ترین موضوع رویداد جنگ و نبرد قهرمانان با حریف و هم‌نبرد است. در بیشتر حماسه‌ها هدف اصلی از مبارزه قهرمانان پیروزی است ولی راه رسیدن به آن گوناگون است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۳۷). نخستین مرحله از جنگ دو هم‌نبرد، نبرد نرم یا همان جنگ روانی است که قبل از شروع جنگ سخت در می‌گیرد. در این مرحله شخصیت‌های داستان با استفاده از نیروی سحرانگیز کلام و کلمه مفاهیمی در قالب جملات بیان می‌کنند که باعث تخریب روحیه و تضعیف بنیان‌های فکری او می‌گردد. در اکثر داستان‌های شاهنامه، جنگ نرم گاهی مقدمه جنگ سخت و گاهی موخره آن است و غالباً جنگ سخت بی‌نیاز از جنگ نرم نیست اما این امکان وجود دارد که جنگ نرم بدون جنگ سخت اتفاق بیفتد. این شیوه‌ای است که امروزه صاحبان قدرت در مواجهه با ملت‌ها و کشورهایی که در مدار منظومه قدرت سیاسی آن‌ها قرار ندارند به کار می‌برند.

برخلاف حماسه‌های یونانی، عنصر بدویت و عقل‌گریزی در شاهنامه بسیار کم و در مقابل، خردگرایی آن صیغه پررنگ‌تری دارد. یکی از دلایل خردورزی در شاهنامه حضور جدی عنصر گفتمان و دیالوگ قهرمانان است که این عنصر خود یکی از شاخص‌های اصلی جنگ نرم محسوب می‌شود.

۴-۲- تمایز جنگ سخت و جنگ نرم در شاهنامه با نگرش معاصر به آن دو

در تبیین تفاوت مصادیق جنگ نرم و جنگ سخت در حماسه ملی ایران با نگاه معاصران به این دو مقوله، موارد زیر قابل ذکر است: ۱- جنگ سخت در شاهنامه عمدتاً با تجهیزات نظامی روز از قبیل تیر و کمان، شمشیر و بربیان، سپر و زره و امثال آن اتفاق می‌افتد. ۲- این جنگ در حماسه ملی ما گاهی فردی است و گاهی گروهی و یا تلفیقی از هر دو. اما جنگ نرم کمتر به صورت گروهی انجام می‌شود بلکه فرد نقش برجسته‌تری در آن دارد. ۳- امروزه کاربرد نوع راهبردی جنگ نرم به دلیل استفاده از دانش عظیم رسانه‌ها بسیار کارآمدتر از نوع تاکتیکی آن است در حالی که در گذشته و البته در شاهنامه، نوع تاکتیکی آن بیشتر استفاده می‌شده است. ۴- یکی از تفاوت‌های اساسی در جنگ‌های نرم در شاهنامه با جنگ‌های ادوار جدیدتر این است که گردانندگان عملیات روانی در داستان‌های حماسه ملی ما عمدتاً همان شاهان و فرماندهان نظامی و پهلوانان بزرگ هستند در حالی که گردانندگان جنگ نرم در دوره‌های جدید، غیر نظامیان بوده و از بین اندیشمندان و دانشمندان و نخبگان فرهنگی انتخاب می‌شوند. یعنی ستادهای فرماندهی جنگ نرم در عصر اخیر نه مراکز نظامی بلکه مراکز علمی و اندیشکده‌های پژوهشی است. ۵- در ادوار گذشته در فرآیند جنگ نرم، اصول انسانی و به اصطلاح حقوق بشر، در عمل بیشتر رعایت می‌شده است. به عبارت دیگر، عملیات روانی گذشتگان برای پیشگیری از وقوع جنگ سخت و جلوگیری از خون‌ریزی بوده در حالی که امروزه غالباً به عنوان مقدمه جنگ سخت و به منظور تضعیف حریف برای تسهیل در اقدام نظامی صورت می‌گیرد.

۵- جنگ نرم در داستان رستم و اشکبوس

در اساطیر ایرانی، افراسیاب بزرگ‌ترین دشمن ایران و ایرانیان است. افراسیاب فرمانده بزرگ تورانیان، هر اندازه که برای تورانیان مایه مجد و عظمت است، برای قوم ایرانی منشأ خشم و دشمنی و بدی و شرارت به حساب می‌آید. وی به زعم ایرانیان چهره‌ای اهریمنی و شیطانی دارد که حتی در راستای شکست سپاه ایران، به برادر خود هم رحم نمی‌کند و او را (اغزیرث) به جرم نکشتن اسیران ایرانی از پای درمی‌آورد. او به هر وسیله‌ای برای نیل به پیروزی متوسل می‌شود. اشکبوس نام یکی از پهلوانان و مبارزان کشانی است که به افراسیاب در جنگ با ایرانیان کمک می‌کند. کسی در سپاه ایران نیست که یارای هم‌نبردی با او را داشته باشد مگر رستم. اما صحنه نبرد به گونه‌ای رقم خورده که پیش از این، ایرانیان مقهور و مغلوب تورانیان و هم‌پیمانان آن‌ها شده و دشمن از لحاظ روحی - روانی در وضعیت کاملاً مناسبی قرار دارد. بنابراین رویارویی رستم با اشکبوس آخرین شانس نجات سپاه ایران از شکست حتمی است و اگر او لحظه‌ای غفلت بورزد برای همیشه ننگ شکست بر چهره ایرانیان ماندگار خواهد بود. روی این اصل است که جهان‌پهلوان ایران، ابتدا بر ذهن و ضمیر حریف مسلط می‌شود و از پس تخریب روحیه دشمن، او را با تیری شگفت‌انگیز از پای در می‌آورد به گونه‌ای که این پیروزی زیرساخت پیروزی نهایی ایران در عهد

کیخسرو (کشتن افراسیاب) می‌شود.

۵-۱- عناصر عملیات روانی در داستان رستم و اشکبوس

۵-۱-۱- هدف

برخلاف جنگ سخت که هدف از آن تصرف حوزه جغرافیایی و سرزمینی است، در عملیات روانی هدف نهایی تصرف حوزه فکری و تسلط بر قوه تصمیم‌گیری مخاطب است. یعنی تسخیر مسافت کوتاه بین دو گوش انسان و کنترل رفتار مخاطبان در جهت منافع مطلوب نیروهای مهاجم. در جنگ رستم و اشکبوس هر کدام تلاش می‌کنند تا دیگری را از خطر مواجهه جنگی به وحشت اندازند و بدین طریق کنترل رفتار او را در دست گیرند. در تراژدی رستم و اسفندیار نیز همین گونه است. یعنی هدف آن‌ها اقناع دیگری و وادار ساختن او به تسلیم در برابر خود است. اسفندیار می‌خواهد رستم گذشته افتخارآمیز خود را فراموش کند و به بند او دست دهد. رستم نیز در مقابل، هدفی جز اقناع فکری و بیدار ساختن اندیشه آزادمنشی در اسفندیار ندارد. زیرا اگر اسفندیار از این حس وسوسه‌آمیز قدرت‌طلبی آزاد شود، دیگر حاضر نخواهد بود که به خاطر برآوردن عقده آزمندی پدر، بند بر دست و پای جهان‌پهلوان ایران بنهد.

۵-۱-۲- پایه

عنصر پایه مبنای اقدامات در عملیات روانی است که به سه دسته سفید، خاکستری و سیاه تقسیم می‌شود (جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۱).

پایه سفید: بیان‌گر اقدامات و پیام‌هایی است که منبع آن مشخص است. بهمن پسر اسفندیار است که در فرآیند این تراژدی به عنوان پیک رسمی از جانب منبع معلوم به شکارگاه رستم می‌رود و پیام اسفندیار را به او می‌رساند.

پایه خاکستری: شامل پیام‌ها و اقداماتی است که در عملیات روانی از سوی منبع به ظاهر بی‌طرف ارائه می‌شود. اسفندیار مرتب تقصیر را به گردن رستم می‌اندازد و خود و پدرش را بی‌گناه قلمداد می‌کند در حالی که او قبل از عزیمت به زابل، اولین کسی است که به بهانه‌سازی‌های گشتاسب و عهدشکنی‌های او اعتراض می‌کند.

پایه سیاه: شامل تبلیغاتی است که به هر منبعی نسبت داده می‌شود و مبتنی بر وقایع جعلی و دروغ و فریب است (نصر، ۱۳۸۵: ۴۲۹).

۵-۱-۳- مخاطب شناسی

این مقوله از نظر محورهای تعامل میان منبع صدور پیام و گیرندگان پیام و نوع ارتباط، اهمیت دو چندان دارد. بنابراین لازم است قبل از هر اقدامی، مخاطبان هدف را تعریف و بر اساس ویژگی‌های اختصاصی که دارند آن‌ها را دسته‌بندی کرد (جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۴).

در رزم رستم و اشکبوس، رستم می‌داند باید ابتدا زیرساخت‌های روحی و روانی حریف را مختل کند سپس با او به جنگ رویاروی بپردازد. اما اشکبوس از رستم شناخت چندانی ندارد و همین که

در آفند و پدافند روانی با مقابله به مثل رستم مواجه می‌شود، نمی‌تواند موضع مشخصی در برابر او اتخاذ کند. او با این‌که از نیروی بدنی کافی برخوردار است، مقهور توانمندی روانی رستم می‌گردد. در داستان رستم و اسفندیار نیز اگرچه هر دو پهلوان همدیگر را به خوبی می‌شناسند اما چون شناخت رستم از اسفندیار با عنصر استدلال و خردورزی او همراه است، برگفتمان کلامی او غلبه می‌کند. در داستان سیاوش نیز سودابه شناخت کافی از بنیان‌های اخلاقی-اعتقادی سیاوش ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند با همه فریبکاری و تطمیع و تهدید او را در آغوش شیطانی خود درکشد. در جنگ رستم و سهراب هم ضعف در مخاطب‌شناسی باعث می‌شود سهراب علی‌رغم غلبه بر رستم، فریب او را بخورد و تن به کشتن دهد.

۵-۱-۴- مکان و زمان

منظور از مکان و زمان در عملیات روانی میزان تاثیر نقشه‌های اعمال شده در این زمینه است (پشتدار و شکر دست، ۱۳۹۲: ۴). یکی از مختصات حماسه این است که سراینده توجهی به تاریخ شماری و زمان و مکان ندارد. مثلاً تور که در ترکستان است و سلم در روم، چنان به آسانی با هم تماس می‌گیرند و ملاقات می‌کنند که گویی بین آن‌ها فاصله‌ای نیست. بنابراین در حماسه‌های اصیل و طبیعی ابهام زمانی و مکانی وجود دارد زیرا منظومه‌های حماسی، مدت‌ها پس از حوادثی که از آن‌ها سخن می‌گویند، پدید می‌آید (صفا، ۱۳۶۹: ۷).

با این حال طبق تصریح فردوسی، محدوده‌های زمانی و مکانی جنگ رستم و اشکبوس در دامنه‌ی هماون کوه و در عصر پادشاهی کیخسرو است. در جنگ رستم و اسفندیار نیز چاره‌ای نیست جز این‌که محدوده زمانی و مکانی عملیات روانی را فضای بین دو سپاه در حوالی هیرمند و لشگرگاه آن‌ها حدس زد. محدوده زمانی و مکانی حوادث داستان سیاوش که منجر به کشته شدن او گردید نیز سرزمین توران در حوالی ختن و در دوره شاهی کیکاوس بوده است.

۵-۱-۵- گفتمان

یک گفتمان دارای یک عبارت نیست، بلکه شامل عبارات متعددی است که با هم درکارند تا به چیزی شکل بدهند. گفتمان، شیوه خاص بازنمایی «خود» و «دیگری» و روابط بین آن-هاست (جنیدی، ۱۳۸۹: ۳۸). جنگ رستم و اشکبوس و نیز جنگ روانی او با اسفندیار هر دو مبتنی بر گفتمان کلامی و بهره‌گیری از قدرت سحرانگیز کلام است. البته در موارد محدودی نظیر «قدرت نمایی» از گفتمان غیرکلامی نیز استفاده شده است.

۵-۲- نقد و تحلیل عملیات روانی در داستان رستم و اشکبوس

در شاهنامه هم جنگ سخت (hard war) وجود دارد و هم جنگ نرم (soft war). غالباً ایرانیان شاهنامه را به عنوان انعکاس دهنده جنگ‌های سخت قهرمانان گذشته خود می‌شناسند در حالی که در این اثر، جنگ نرم یا مقدمه جنگ سخت است یا در ضمن آن به وقوع می‌پیوندد و یا حتی بدون جنگ سخت اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر جنگ سخت در حماسه ایران قبل از اسلام،

جز به ندرت، بدون جنگ نرم وجود ندارد اما جنگ نرم و عملیات روانی در موارد متعددی به تنهایی اتفاق افتاده و از فراوانی بالایی در شاهنامه برخوردار است. حاکمان و فرماندهان سپاه هر کدام به نوبه خود توانایی راهاندازی جنگ نرم را دارند و از آن استفاده می‌کنند. در جبهه خودی، رستم و اسفندیار، گیو و گودرز، کیکاوس و کیخسرو، گشتاسب و کلیه حاکمان دوره تاریخی و قبل از اسلام و حتی شاعر بزرگ توس حکیم فردوسی همگی دارای ذائقه عملیات روانی هستند. در جبهه دشمنان، افراسیاب، پیران ویسه، گرسیوز، خاقان، اشکبوس، کاموس و دیگران در جنگ نرم بیشترین توانایی را دارند.

یکی از مظاهر قدرت آفرینش فردوسی، بهره‌گیری دقیق از شاخص‌های جنگ روانی یا همان جنگ نرم در داستان‌های متعدد است. این جنگ در اشکال مختلف در شاهنامه به کار رفته است. گاهی شاهان و حاکمان در جهت پیشبرد اهداف و تحکیم مبانی قدرت خود در برابر رقبا از آن بهره برده‌اند و گاهی فرماندهان و قهرمانان جنگجو در میدان‌های نبرد سخت افزاری از آن استفاده کرده‌اند. در حماسه ملی ایرانیان در دوره ماقبل اسلامی، جنگ سختی یافت نمی‌شود که لا اقل یک مورد از شاخص‌های جنگ نرم در آن نباشد اما عکس آن بعید نیست، زیرا بارها در امور مملکت-داری یا مبارزات پهلوانان دیده شده عملیات روانی در یکی از گونه‌هایش به کار رفته در حالی که ظاهراً جنگی اتفاق نیفتاده است. هجوناومه فردوسی علیه دستگاه محمود از این قبیل جنگ‌های مبتنی بر قدرت نرم است که بدون هرگونه درگیری فیزیکی اتفاق افتاده است.

نبرد رستم با اشکبوس در ضمن داستان رزم کاموس کشانی قرار گرفته است. در کل داستان، فرمانده ایرانیان توس پسر نوذر و جهان پهلوان آن‌ها رستم پسر زال است. فرود فرزند پاک‌سرشت سیاوش و برادر کیخسرو پادشاه ایران است که در آغاز این اردو کشی، طعمه خیره سری‌های توس شده بود.^(۱) بعد از کشته شدن فرود شکست‌های پیاپی سپاه ایران از سپاه توران آغاز می‌شود. تسلسل و تداوم ناکامی‌های ایرانیان به حدی است که آن‌ها در دامنه هماون کوه به محاصره دشمن در می‌آیند. ایرانیان محاصره شده چاره‌ای ندارند جز آن که رستم را از سیستان به یاری فرا بخوانند. با ورود رستم به میدان نبرد و حرکات و اقدامات او در چینش سپاه و آرایش جنگی و حرکت‌های مبتنی بر عملیات روانی او در برابر اشکبوس، چنگش و کاموس در طرید و ناوردهای خود، نوار پیروزی‌های تورانیان در دامنه کوه هماون گسسته شد و سرنوشت میدان جنگ به نفع ایرانیان تغییر کرد.

شب تیره رستم به لشکر رسید...
بیامد همی کرد هر سو نگاه...
که شد روز با رنج بسیار جفت...

چو آمد درفش تهمتن پدید
سپهدار هومان به پیش سپاه
بیامد پر از غم به پیران بگفت

بدو گفت پیران که بد روزگار
 بدو گفت پیران که بد روزگار
 که شد روز با رنج بسیار جفت...
 اگر رستم آید بدین کارزار...
 (فردوسی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۸۹-۱۸۶)

سران سپاه شکست خورده ایران همگی سراسیمه و آشفته (و در عین حال دلگشاده) به پیشواز رستم می‌شتابند. شیوه بیان گودرز در وصف شکست‌های پی‌درپی به گونه‌ای است که از حیث بُعد روانی عملیات نشانگر شکست روحی - روانی ایرانیان است و این از نظر عملیات روانی نقطه اتکاء و امید دشمن است. در چند بیت زیرگودرز فرمانده سپاه ایران، با یک تشبیه رسا و قوی، لشکریان در حال شکست خودی را به ماهی مانند کرده که از آب بیرون افتاده و چند لحظه‌ای بیشتر با مرگ فاصله ندارد. از طرف دیگر در بیت بعدی می‌گوید که هجوم دشمن آن‌چنان توان روحی و روانی ایرانیان را گرفته است که گویی تمام دنیا و حتی جانوران روی زمین علیه ما کمر جنگ بسته‌اند:

چنانیم بی تو که ماهی به خاک
 ز چین و زسقلاب وز هند روم
 به ننگ اندرون سر، تن اندر هلاک
 ز ویرانه گیتی و آباد بوم
 همانا نمانده یکی جا نور
 مگر بسته بر جنگ ما بر کمر

(همان: ۱۸۶-۱۷۷)

استفاده از ترکیب‌های متضاد ویرانه‌گیتی و آبادبوم در سخن گودرز نشانه به‌هم‌ریختگی و پریشانی اوضاع روانی سپاه ایران است. اولین کاری که رستم می‌کند این است که در یک بازآفرینی روانی، روحیه از دست رفته ایرانیان را با حرف‌ها و حرکات روانی خود به آن‌ها باز می‌گرداند. رستم به آن‌ها دلداری می‌دهد و به نصرت الهی امیدوار می‌سازد. در جنگ روانی شتاب و عجله مفهومی ندارد و به همین دلیل رستم که خداوندگار جنگ سخت و جنگ نرم است سپاهیان را به آرامش دعوت می‌کند و می‌گوید:

بدو گفت رستم که دل شاد دار
 یک امروز در جنگ یاری کنید
 ز گیتی تن مهتر آزاد دار
 بر این دشمنان کامکاری کنید
 که گردان سپهر جهان، یار ماست
 مه و مهر گردون نگه دار ماست

(همان: ۱۹۲-۱۸۶)

رستم به این ترتیب بار روانی شکست‌های گذشته را کم کرده، آن‌ها را به پیروزی در آینده امیدوار می‌سازد. تا اینجا هنوز رستم اقدامی سخت و فیزیکی انجام نداده و فقط در نوع راهبردی عملیات روانی کار کرده است یعنی گفتن سخنان کلی و استنتاج نتایج مطلوب از آن‌ها نظیر این که خداوند یار ماست، در گیتی آزاده بودن، شاد دل بودن و...

فردای روز بعد، آغاز دور جدید جنگ است. رستم خود به بالای کوه می‌رود تا دشمن را ارزیابی کند. او با دیدن انبوه جمعیت دشمن، شگفت‌زده می‌شود و بدون این‌که ترسی به دل راه بدهد

پیش خود زمزمه می‌کند که من تاکنون چنین لشکری ندیده‌ام:

فراوان سپه دیده‌ام پیش از این ندانم که لشکر بود بیش از این
فرود آمد از کوه و دل بد نکرد گذر بر سپاه و سپهد نکرد

(همان: ۱۹۳)

رستم دارای شخصیتی است آزاده و بدون این‌که دین زردشتی را اختیار کرده باشد، معتقد به خدای واحد است و او را مؤثر در سرنوشت انسان‌ها می‌داند. بنابراین مانند همیشه در بعد نرم و سپید جنگ به راز و نیاز با خداوند می‌پردازد و فقط از او یاری می‌طلبد:

بنالید که ای کردگار بلند به گیتی تویی برتر از چون و چند
مگر بخشش یارمندی دهد به فیروزیم سربلندی دهد

(همان: ۱۹۳)

از این پس سپاه ایران و توران آرایش جنگی به خود می‌گیرند و با مقدم داشتن اقدامات تاکتیکی روانی، به پیشواز جنگ سخت می‌روند. سپاه توران که از چند ملیت خارجی تشکیل یافته، با فرماندهی خاقان چین در شاخص موسیقیایی جنگ روانی، با تولید سروصدای فراوان به وسیله طبل و کوس و کرنا، گوش فلک را می‌آزارد. از پس سروصدای هولناک دشمن، ناگهان دلیری از سپاهیان خاقان چین سوار بر اسب به میدان نبرد می‌تازد، رجز می‌خواند و هم‌اورد می‌طلبد تا بدین وسیله روحیه ایرانیان را هر چه بیشتر متزلزل سازد. اولین کس از ایرانیان که به هم‌اورد طلبی اشکیوس پاسخ می‌دهد پهلوانی کارناده است که پیش از این مقهور جنگ روانی دشمن شده است. او رهام پسر گودرز است که در نبردی ناهمگون مغلوب اشکیوس شده میدان را به نفع دشمن ترک می‌کند. این نقطه از داستان درست جایی است که عملیات روانی و هجوم نرم دشمن نتیجه می‌دهد و از اینجاست که نبرد رستم آغاز می‌شود. او از ناتوانی رهام ناراحت می‌شود و می‌گوید رهام همنشین باده است نه مرد جنگ و میدان مبارزه.

تهمتن برآشفست و با طوس گفت که رهام را جام باده است جفت
به می در همی تیغ بازی کند میان یلان سرافرازی کنند

(همان: ۱۹۴)

توس که فرماندهی سپاه ایران را به عهده دارد با دیدن شکست رهام، خود آماده رفتن به میدان می‌شود. اما رستم که با فنون عملیات روانی بیش از هرکس دیگری آشناست، می‌داند که اگر توس به عنوان فرمانده سپاه ایران به میدان برود و از اشکیوس شکست بخورد، سامان و روحیه لشکر ایران درهم می‌ریزد و آن‌ها را در معرض شکست حتمی قرار می‌دهد. به همین جهت توس را از این کار منع می‌کند و به او توصیه می‌کند قلب سپاه را نگه دارد و خود به میدان مبارزه می‌شتابد:

ز قلب سپاه اندر آشفست توس بزد اسب که آید بر اشکیوس...
تو قلب سپه را به آیین بدار من اکنون پیاده کنم کارزار

(همان: ۱۹۵-۱۹۴)

رستم پس از آن که کمان را به زه می‌کند و آماده نبرد با اشکبوس می‌شود، ابتدا در هجومی روانی مبتنی بر قدرت سحرانگیز کلمات و مفاهیم، جنگ روانی بزرگی از نوع تاکتیکی علیه اشکبوس به راه می‌اندازد و در نخستین خطاب خود به حریف، فرار و عقب نشینی را به او تلقین می‌کند:

کمان بزه را بیازو فکند	به بند کمر بر بزد تیر چند
خروشید که ای مرد رزم آزمای	هماوردت آمد مشو باز جای
کشانی بخندید و خیره بماند	عنان را گران کرد و او را بخواند

(همان: ۱۹۵)

اشکبوس که پهلوانی به ظاهر ساده و پیاده و بدون اسب در مقابل خود می‌بیند به حیرت و اندیشه فرو می‌رود و با عادی‌سازی رفتاری که از الزام‌های عملیات روانی است، عنان اسب خود را گران می‌کند و خنده‌زنان به رستم می‌گوید:

بدو گفت خندان نام تو چیست	تن بی سرت را که خواهد گریست؟
تهمتن چنین داد پاسخ که نام	چه پرسی کزین پس نبینی تو کام
مرا مام من نام مرگ تو کرد	زمانه مرا پتک ترگ تو کرد

(همان)

بنابراین اشکبوس نیز که تاکنون حریفی در تراز خود ندیده با جنگ روانی آغاز می‌کند و در اولین سخن خود از سر بریده شده رستم سخن می‌گوید اما در مقابل سخنان طنزآلود و ملامت گرانه اشکبوس، رستم لحنی جدی و استوار مبتنی بر خردورزی به خود می‌گیرد. یعنی ابتدا خود را از این که به انفعال بیفتد حفظ می‌کند و سپس جنگ روانی دشمن را خنثی می‌کند و آن چنان پاسخ روان‌شناسانه محکمی به او می‌دهد که ذهن و ضمیر او را در هم می‌نوردد. می‌گوید: «بیهوده نام مرا می‌پرس... نامی که مادر بر من نهاده است، مرگ تو است و زمانه مرا پتکی گردانیده است که بدان، ترگ و تارک تو خرد و درهم فرو خواهد شکست» (کزازی، ۱۳۹۱: ۵۹۰).

بیت سوم به تعبیر استاد کزازی، بی‌تی شگفت و شاهانه است که مردانگی و دلاوری و پهلوانی از آن می‌بارد. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم یکی از شاه بیت‌های شاهنامه است زیرا در اوج صلابت و سنگینی، روح و روان دشمن را هدف خود ساخته و آن را در هم کوبیده است در حالی که هنوز تیری از چله کمان‌ها شلیک نشده است. این شکوه جنگ روانی رستم است در برابر حریف تورانی خود. کشانی نیز در صدد تأثیر روانی بر رستم است:

کشانی بدو گفت بی بارگی	به کشتن دهی تن به یکبارگی
تهمتن چنین داد پاسخ بدوی	که ای بیهده مرد پرخاشجوی
پیاده ندیدی که جنگ آورد	سر سرکشان زیر سنگ آورد

به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ
سوار اندر آیند هرگز به جنگ
پیاده مرا زان فرستاد توس
که تا اسب بستانم از اشکبوس
پیاده به از چون تو سیصد سوار
بدین روز و این گردش کارزار

(فردوسی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۹۵)

لحن کلام کشانی در ابیات فوق به گونه‌ای تغییر می‌کند که گویی حالت یک موعظه‌گر را دارد نه حریفی برای نبرد تن به تن. در این ابیات ابتدا کشانی بی‌اسب بودن را نقطه ضعفی بر حریف القا می‌کند اما رستم با پدافند نرم زیرکانه‌ای، پیاده بودن خود را نشان اوج شجاعت و اعتماد به نفس خود می‌شمارد و برای اثبات این ادعا به مصادیق اتم شجاعت یعنی شیر و پلنگ و نهنگ تمثل می‌جوید. او به عنوان آخرین ضربه روانی تصریح می‌کند که فرمانده دستور داده اگر نیاز به اسب داشتی آن را از حریف (کشانی) بگیر. در این شرایط، انگار کشانی کاملاً مقهور جنگ روانی رستم شده و پیشاپیش شکست خود را مجسم نموده است. رستم هم از آتش عملیات روانی نکاسته و پی‌درپی پیام شکست را به حریف القاء می‌کند و این خود یکی از شاخص‌های اصلی جنگ نرم است که ناامیدی و بیچارگی و هزیمت را به عمق درونی حریف وارد می‌کند و در حفره‌های نامرئی ذهن او جایگیر می‌سازد.

ببین تا هم اکنون سرآری زمان
بدو گفت رستم که تیر و کمان
نبینم همی جز فسوس و مزیح
ببین تا هم اکنون سرآری زمان

(همان)

تا اینجای داستان هر چه گذشت جنگ روانی و به اصطلاح جنگ نرم بود زیرا هنوز هیچ یک از دو هم‌نبرد تیری به سوی دیگری رها نکرده‌اند. هر چه هست شکوه جنگ کلمات است و قدرت تخریب‌گر آن‌ها که روحیه دشمن را درهم می‌ریزد. رستم با قدرت گفتاری خود توانسته است تاثیر توانمندی فیزیکی و ابزار اشکبوس را به حداقل ممکن برساند. چرا که: «گفتارگرانقدرترین ابزاری است که آدمیان در اختیار دارند، اما تعداد محدودی از آن‌ها می‌آموزند که چگونه از این وسیله بیش از کاربردهای ابتدایی‌اش استفاده کنند» (جنیدی، ۱۳۸۹: ۲۰۴). در ابیات بعد، کشانی که رهام پسر گودرز در برابر او تاب مقاومت نیاورده، تنش لرزان می‌شود و چهره‌اش به زردی می‌گراید.

چنانکه ملاحظه می‌شود در این داستان که مربوط به عصر اساطیری و ما قبل اسلام در ایران است اولاً جنگ سخت جدا از جنگ نرم نیست و ثانياً جنگ نرم و اهمیت آن بسیار بیشتر و مقدم بر جنگ سخت‌افزاری است. به همین جهت اندیشمندان عرصه قدرت نرم معتقدند در جنگ‌ها نسبت اثربخشی عملیات روانی به لوازم مادی مانند نسبت سه به یک است.

۵-۳- تکنیک‌های عملیات در داستان رستم و اشکبوس

۵-۳-۱- سطح راهبردی

۵-۳-۱-۱- الفاء

یعنی انتقال پیام مهاجم جنگ روانی به مخاطب به صورت مستقیم یا غیر مستقیم. رستم در پیام‌های متعدد، شکست قطعی را به اشکبوس الفاء می‌کند. او می‌گوید تو نام مرا بی‌فایده می‌پرسی زیرا از این پس به کام خود نخواهی رسید. مادر من نام مرا «مرگ» تو نهاده است و از آن گذشته تقدیر نیز این چنین مقرر کرده که وجود من چون پتکی باشد کوبنده بر سر تو. سپس در ادامه مناظره با یک استفهام انکاری خطاب به اشکبوس، پیاده بودن را نشانه شجاعت و برتری خود می‌داند که می‌خواهد با شکست دادن حریف، اسب او را بگیرد و بر آن سوار شود (بیت‌های ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۹). حال آنکه قبل از ورود رستم به صحنه نبرد، اشکبوس توانسته بود با رجز خوانی‌های خود، ترس و وحشت و هراس را به جبهه ایرانیان الفاء نماید به گونه‌ای که رهام در برابر او تاب مقاومت نیاورده بود.

۵-۳-۱-۲- تکرار

امروزه خبرگزاری‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی بیشترین بهره روانی را از این شیوه می‌برند. به اعتقاد روان‌شناسان، تکرار موجب تثبیت و درونی‌سازی پیام می‌شود (همان: ۱۲۵). تکرار پیام از مجاری متعدد موجب پذیرش صحت و باورمندی به آن می‌شود. رستم و اشکبوس که در برابر هم قرار گرفته‌اند هر دو پی‌درپی خود را غالب و دیگری را مغلوب قلمداد می‌کنند اما چون پیام‌های رستم از پشتوانه فکری بالاتری برخوردارند، کارسازتر واقع می‌شوند.

۵-۳-۱-۳- برجسته‌سازی

این شاخص بیشتر در حوزه دانش رسانه‌ای کاربرد دارد (همان: ۱۰۶). رستم با استفاده از تکنیک زبانی و کاربرد واژگانی پرصلابت، قدرت خود را بسیار بزرگ‌تر از اشکبوس جلوه می‌دهد. در اولین سخن خود فرار و عقب نشینی را (هماوردت آمد مرو باز جای) به ذهن اشکبوس رسوخ می‌دهد و در سخن دوم می‌گوید نام من «مرگ» توست (مرا مام من نام مرگ تو کرد) و در سخن بعدی با شکوه هر چه بیشتر می‌گوید: «زمانه مرا پتک ترگ تو کرد» و در سخن آخر، پیاده جنگیدن خود را صدها بار بهتر از جنگ سوارانی مانند اشکبوس اعلام می‌کند «پیاده به از چون تو سیصد سوار».

۵-۳-۱-۴- شوک و حیرت

هرچه شوک قوی‌تر باشد، حیرت بیشتری مخاطب را فرا می‌گیرد. رستم همین که به خروش درمی‌آید و اندیشه فرار را به اشکبوس تلقین می‌کند، بهت و حیرت او را فرا می‌گیرد و هر قدر که رجز خوانی و جنگ روانی طرفین جلوتر می‌رود سراسیمگی بیشتری وجود اشکبوس را فرا می‌گیرد.

۵-۳-۲- سطح تاکتیکی**۵-۳-۲-۱- تحریک**

عبارت است از برانگیختن دشمن با گفتار یا رفتار خاصی، به گونه‌ای که او تدبیر را وا گذاشته و

از روی هیجانات و احساسات زودگذر، نسنجیده عمل کند. در این خصیصه، مهاجم جنگ روانی با ارائه و ارسال پیام‌هایی باعث تحریک حریف یا مخاطب می‌شود. اشکبوس با مبارزطلبی و رجزخوانی باعث تحریک احساسات ایرانیان و به میدان رفتن رهام می‌شود. تحریکی که نتیجه آن پیروزی دشمن را در پی داشت. درحالی که ایرانیان خود نیز می‌دانستند رهام نمی‌تواند حریف اشکبوس باشد اما چون احساسات آن‌ها مغلوب جنگ روانی دشمن شده بود، بدون تصمیم‌گیری منسجمی که نتیجه تدبیر فرماندهان باشد، رهام به میدان می‌رود و سرانجام میدان را به نفع حریف ترک می‌کند. در این داستان رستم از شاخص تحریک استفاده نمی‌کند. دلیل آن هم روشن است زیرا او در مقابل بزرگ‌ترین پهلوان دشمن قرار گرفته و از نظر روان‌شناسی فقط زمانی می‌تواند برحریف غلبه کند که گام‌به‌گام او را مغلوب جنگ روانی خود کند و روحیه‌اش را در هم بشکند نه این که با تحریک او، جنگ سخت را پیش از موعد شروع کند.

۵-۳-۲- استهزا و تمسخر

هدف اصلی استهزا و تمسخر، کوچک نشان دادن دشمن و ناچیزشمردن مقدرات اوست. زیرا زخم زبان بسیارسخت‌تر و دردناک‌تر از زخم سرنیزه است. این شاخص در فرآیند داستان مورد استفاده رستم قرار می‌گیرد. او به منظور پست و حقیرشمردن قدرت فیزیکی اشکبوس، او را شایسته همنشینی با زنان می‌شمارد و می‌گوید:

بخندید رستم به آواز گفت که بنشین به پیش گرانمایه جفت

(فردوسی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۹۶)

۵-۳-۲- القای یأس و ناامیدی

یأس حالتی روانی است که اغلب با اضطراب و ناامیدی و احساس بیچارگی و درماندگی همراه است. یکی از باسابقه‌ترین شیوه‌های القای یأس و ناامیدی، بیهوده نشان دادن مقاومت و تلاش حریف است (جنیدی، ۱۳۸۹: ۱۹۲). این خصیصه جنگ نرم از هر دو سوی هماوردان (رستم و اشکبوس) علیه دیگری به کار گرفته شده است ولی رستم با شیوه‌هایی که استفاده نموده از برتری کامل نسبت به حریف برخوردار است.

پیاده به از چوون توسیصد سوار بدین روز و این گردش کارزار....

۵-۳-۲- بازی با کلمات

بیشترین استفاده را رستم برده است. گاهی خود را به شیر و ببر و پلنگ تشبیه می‌کند که پیاده می‌جنگند و گاهی نام خود را مرگ دشمن قرار می‌دهد و گاهی خود را چون پتکی معرفی می‌کند که بر سرحریف می‌کوبد. بنابراین در این داستان ده‌ها مورد از تکنیک‌های جنگ روانی به کار رفته که برای پرهیز از اطاله کلام به این مختصر اکتفا شده است.

۶- نتیجه

شاهنامه تاریخ داستانی و شناسنامه هویتی ملت ایران است. هم جنگ سخت دارد هم جنگ نرم. برخلاف تصور، جنگ نرم شیوه‌ای همزاد بشر است و در اساطیر ایران بسامد بالایی دارد. تاکنون گمان غالب این بود که فردوسی تنها ابعاد فیزیکی جنگ‌ها را مد نظر داشته است اما طی این پژوهش کاملاً مشخص شد که در حماسه ملی ایران، عملیات روانی مقدم و یا دوشادوش جنگ سخت به کار رفته و فراوانی آن بیشتر از جنگ سخت‌افزاری است. در این تحقیق معلوم شد ده‌ها مورد از شاخص‌های جنگ روانی در داستان‌های ملی ما بالاخص در شاهنامه به کارگرفته شده و کاربرد متعدد آن‌ها بر بیش از صدها مورد بالغ می‌شود.

پس از حصول نتایج فوق، این نکات نیز به دست آمد: ۱- جنگ‌های نرم در شاهنامه عمدتاً از نوع تاکتیکی است. ۲- در گذشته شاهان و پهلوانان از هر دو نوع جنگ استفاده کرده‌اند. ۳- در ادوار پیشین شاهان و پهلوانان راساً اقدام به طراحی و اجرای نقشه‌های جنگی نرم و عملیات روانی می‌کرده‌اند در حالی که امروزه این امر توسط اندیشمندان و پژوهشگران مراکز تحقیقاتی و علمی-فرهنگی انجام می‌شود. ۴- در عملیات روانی ادوار گذشته نسبت به شیوه‌هایی که امروزه وجود دارد اصول انسانی و به اصطلاح حقوق بشر بیشتر و شرافتمندانه‌تر رعایت می‌شده است. ۵- اشکیوس کشانی علی‌رغم داشتن همه شرایط فیزیکی جنگ، به علت ضعف در مخاطب‌شناسی نتیجه را به رستم واگذار می‌کند. ۶- فراوانی شاخص‌های جنگ روانی در شاهنامه متفاوت است و از دوره اساطیری به دوره‌های پهلوانی و تاریخی رو به فزونی دارد. ۷- با توجه به اثبات وجود جنگ روانی در شاهنامه و داستان‌های حماسی ایران، مراکز تحقیقاتی معاصر می‌توانند به عنوان یک راهبرد اساسی در تدوین برنامه‌های جنگی خود از شیوه‌های آن استفاده کنند.

منابع

- قرآن مجید.
- اسلامی ندوش، محمدعلی، (۱۳۹۱)، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____، (۱۳۹۰)، داستان داستانها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تافلر، الوین، (۱۳۷۰)، جابجایی در قدرت ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر علم.
- جان، کالینز، (۱۳۸۸)، استراتژی بزرگ، ترجمه کوروش بایندر، تهران: وزارت امور خارجه.
- جنیدی، رضا، (۱۳۸۹)، تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله با آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حمیدیان، سعید، (۱۳۷۲)، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، تهران: نشر مرکز.
- خالقی مطلق، جلال، (۱۳۹۳)، سخن‌های دیرینه، تهران: نشر افکار.
- _____، (۱۳۸۶)، حماسه، تهران: مرکزادبیت المعارف بزرگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با شعرا و اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۹۰ / ۵ / ۲۴ و ۱۳۸۱ / ۱۱ / ۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سرآمی، قدمعلی، (۱۳۹۲)، از رنگ گل تا رنج خار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعار، جعفر، (۱۳۶۸)، رزمنامه رستم و اسفندیار با همکاری حسن انوری، تهران: علمی.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۹)، حماسه سرایی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران: انتشارات سخن.
- _____، (۱۳۷۶)، شاهنامه، چاپ مسکو به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- کامکار، مهدی، (۱۳۹۲)، مبانی عملیات روانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۷۲)، رؤیا، حماسه، اسطوره، تهران: نشر مرکز.
- _____، (۱۳۹۱)، نامه باستان، تهران: انتشارات سمت.
- گروه مؤلفان، (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- متفکر، حسین، (۱۳۸۶)، جنگ روانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- محمدی، عبدالله، (۱۳۹۲)، پایه‌های فکری جنگ نرم، تهران: کانون اندیشه جوان.
- مسکوب، شاهرخ، (۱۳۹۰)، تن پهلوان و روان خردمند، تهران: طرح نو.

- منیر حجاب، محمد، (۱۳۸۷)، جنگ روانی ترجمه سعید یارمند، تهران: مرکز آموزشی صیاد شیرازی.
- مینوی، مجتبی، (۱۳۵۴)، فردوسی و شعر او، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
- نائینی، علی محمد، (۱۳۹۱)، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: نشر ساقی.
- نای، جوزف، (۱۳۸۷)، قدرت نرم ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نصر، صلاح، (۱۳۸۰)، جنگ روانی ترجمه محمد حقیقت، تهران: انتشارات سروش.

مقالات:

- پشت دار، علی محمد و فاطمه شکر دست، (۱۳۹۲)، عملیات روانی در داستان رستم و اسفندیار، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال اول، شماره چهارم.
- زارعی، احمد رضا، (۱۳۹۳)، تاکتیک‌های جنگ نرم، مقاله ماه- تحلیلی آموزشی، شماره ۵۱.
- شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۹)، اپوزیسیون رسانه‌ای و جنگ نرم، حصون، شماره ۲۳.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۹۱)، جنگ نرم، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۴.
- میرزایی، محمد، (۱۳۹۴)، قدرت نرم و منابع آن در آیینه آیات قرآن، آموزه‌های قرآنی/ پژوهش‌ها، شماره ۲۱.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۱۳)، سپاه و جنگ در شاهنامه، مجله مهر، سال دوم، شماره ۵ و ۶.